

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۲۷ اکتوبر ۲۰۲۲



محمد محق

فدائی همان انتحاری است

عملیات انتحاری از بدعت‌هایی است که اسلام سیاسی وارد فرهنگ مسلمانان کرد. تئوری‌پردازان این جریان که هیچ آیت و حدیث صریحی در این باب نیافته بودند، کوشیدند با پیچ و خم دادن آیات و روایات برای آن مشروعیت دینی بتراشند و هر جا کم آوردند به عمل شماری از مسلمانان نخستین یا سخن شماری از فقهاء در سده‌های میانه چنگ انداختند. آنان اسمی ساختگی به نام عملیات استشهادی پدید آوردند تا شناعت این عمل را بپوشانند. هر چه بود، نه مجامع علمی بزرگ کشورهای مسلمان به این استدلال‌ها قانع شدند و نه افکار عامه مردم مسلمان و همه شان آن را عملیات انتحاری نامیدند که اسمی با مسمی با دلالت‌هایی ژرف و معنادار بود.

با تسلط طالبان بر دستگاه‌های دولتی افغانستان، راهی گشوده شد تا لشکریان آنان برای تسخیر دنیای مجازی خیز بردارند به قصد مهندسی افکار عمومی جامعه. آنان لقب فدائی را به استشهادی اضافه کردند تا نشانه‌ای باشد از مرحله‌ای جدید برای ترویج فرهنگ انتحارپروری با پشتوانه دولتی. راه‌اندازی "هشتگ فدائیان" در تویتر در حقیقت مانوری بود در این راستا. با تداوم حاکمیت این گروه منابع و امکانات بیش‌تری در اختیارشان قرار خواهد گرفت و برای ترویج ایدئولوژی انتحار و نهادینه کردن فرهنگ مرگ و تباهی گام‌های بلندتری برخواهند داشت. از این پس فدائیان سایبری نیز به "کنکد"‌های انتحاری افزوده خواهند شد. تمجید از انتحاری‌ها به نام فدائیان و تقدیر از خانواده‌های عاملان انتحاری بخشی از این تلاش‌هاست تا از کشتار و ویران‌گری قباحت‌زدانی شود، و این نشان می‌دهد که افغانستان و منطقه باید برای کابوس‌های ترسناک‌تری آماده‌گی بگیرد.

پدیده انتحاری پدیده‌ای عادی نیست که بتوان بسادگی از کنارش گذشت. به لحاظ روان‌شناختی، همه انسان‌ها نمی‌توانند به چنین عملی دست بزنند، حتی اگر اعتقادات دینی جازمی داشته باشند. غریزه زندگی و بقاء قوی‌ترین غریزه در میان تمام موجودات زنده است و همه برای آن می‌جنگند. این‌که موجودی تصمیم بگیرد برای مردن بجنگد پدیده‌ای غیر نرمال است و آدم‌هایی که مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهند توازن روانی ندارند. آنان بیمارانی‌اند که جامعه در درمان

آنان کوتاهی کرده است. عامل اجتماعی را هم باید بر عامل روانی افزود. در جوامعی با زاد و ولد بالا و امکانات پائین، با محرومیت فراوان و فرصت‌های اندک، زندگی خود به پدیده‌ای بی‌ارزش و امید به امری بی‌معنا تبدیل می‌شود. آن جا که امید به پایان برسد انتحار آغاز می‌یابد، زیرا این عمل در واقع جلوه‌ای از نیهلیسم و پوچ‌انگاری است حتی اگر به رنگ دینی درآمده و به اعتقاد به آخرت پیوند یافته باشد. این دو عامل زمینه‌های بالقوهٔ پیدایش انتحاری‌ها را مساعد می‌کنند، و آنچه آن را به فعلیت می‌رساند عامل فکری و فرهنگی است که در قالب ایدئولوژی‌های افراطی نمایان می‌شود. ایدئولوژی‌ها می‌توانند انسان‌ها را کور کنند، قدرت تعقل را از آنان بگیرند و همه چیز را زشت و زدودنی جلوه بدهند.

چهره‌ها و گروه‌های ایدئولوژی‌زده با تبلیغات و سم‌پاشی خود روان جمعی توده‌ها را طلسم می‌کنند، چنان‌که برخی از ملاحی پوپولیست در دوران جمهوریت و شماری از رسانه‌های آن زمان عمل می‌کردند. با خیمه زدن فضائی آکنده از توهم، حسرت، خشم و نفرت بر روان جامعه، نیروی خودویران‌گری و حشمتناکی آزاد می‌شود. با این کار، انتحار از عملی فردی و سازمانی به پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود، چه اسمش استشهادهای باشد و چه فدائی، اما عاقبتش خودویران‌گری تباہکنی است که هم اجتماع را به نابودی می‌کشد و هم فرهنگ را. باید در برابر قیاحت‌زدائی از کشتار و انتحار ایستاد، چه در دنیای حقیقی و چه در فضای مجازی.